

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنیادهای کثر

در تاریخ نویسی معاصر ایران

www.ketab.ir



مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

فهرست مطالب

فصل نخست

تاریخ و تاریخ‌نویسی ۱۱

فصل دوم

لیبرالیسم و تاریخ‌نویسی ۱۵

فصل سوم

مارکسیسم و تاریخ‌نویسی ۲۵

فصل چهارم

اسلام و تاریخ‌نویسی ۳۹

فصل پنجم

ریشه‌ها و راه‌های تاریخ‌نویسی نو در ایران ۶۳

فصل ششم

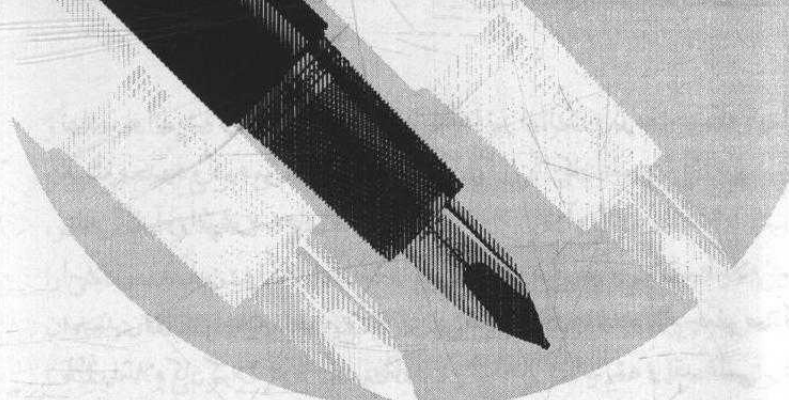
شرق‌شناسی و تأثیر آن در تاریخ‌نگاری معاصر ۸۳

فصل هفتم

خواب در سایهٔ سلسله‌ای خراب ۱۰۳

فصل هشتم

بیدارباش ۱۵۷



پیشگفتار

بخش قابل توجهی از متون جدید تاریخی منتشر شده در دوران معاصر ایران را کتاب‌هایی پر کرده‌اند که تاریخ‌نویسان غربی یا تاریخ‌نویسان غرب‌زده ایرانی و فارسی‌زبان، در گردآوری، پرداخت، تألیف و نشر آنها نقشی بسیار بنیادی داشته‌اند. نام صدها پژوهشگر، نویسنده، مترجم و ناشر فعال در ایران را می‌توان نام برد. در دهه‌ها تاریخ‌نویس و شرق‌شناس اروپایی در این میدان می‌توان یاد کرد. در دهه‌های اخیر، فرهنگ و آیین و نسل‌های جویای دانش و حقیقت‌ما، زیر بار بارهای بی‌امانی از متون ذکر شده قرار داشته‌اند. اکنون که پس از آن دهه‌های انباشته از ترجمه و رونویسی متون دیگران - که ادعای ایران‌شناسی و بازتاب تاریخ و سرگذشت مردم و سرزمین ایران را داشته‌اند - بسیاری پرسش‌های پاسخ داده نشده را در دامن روزگار خویش، انباشته برهم می‌بینیم. امروز، که پس از سپری کردن دوران‌های حاکمیت استبداد و استعمار - هم استعمار کهنه و هم نو - در آستانه شکوفایی حاکمیت انقلابی - اسلامی مردم ایران، بر سرنوشت اجتماعی و فرهنگی خود پا گذاشته‌ایم، باید عرصه دیالوگ، نقادی و افق‌گشایی بسیاری از میدان‌های علمی و فرهنگی مردم کتابخوان و دوستداران نقد فکری، به‌ویژه نسل آینده‌دار انقلاب اسلامی را فراهم کنیم.

تأکید حکیمانه رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بر امر حرمت

نهادن به اندیشه و نقد آزاد و سالم اندیشه‌ها نیز از آن رو بوده است که باید از
 هسته محدود و کم عمق شعارزدگی محض و گریز از کار علمی به درآییم و بنیه
 علمی کارآوران عرصه‌های علوم گوناگون و نیز بارآوران فرهنگ ایرانی -
 اسلامی را در این روزگار پر از دشواری و برخورد آرا، پاس داریم. اسلام ناب
 محمدی صلی الله علیه و آله، اسلام ناب امام علی بن ابی طالب علیه السلام و اسلام امام جعفر صادق
علیه السلام، اسلام کارکردن در ژرفای معادن دست نخورده اندیشه و نقد علمی بوده
 است و همواره چنان خواهد بود. امام صادق علیه السلام می فرماید: «حیات عالم و علم
 به نقد وابسته است.» باید آستین‌ها را برای اجرای رهنمودهای قرآن، پیامبر،
 امامان بزرگ و رهبری فرهیخته انقلاب اسلامی ایران بالا زد و برخوردهای
 مغرضانه عالم‌نماهای سیاست‌پیشه را که حرف تازه درستی برای علم و عمل
 انسان روزگار ما ندارند، با کار پایه‌های اسلامی و انقلابی در وادی علم و نقد
 علمی پایبندی، بهنگام و بیدارگر داد. اسلام، کار را عبادت و دانش دانشمند را
 هم‌پراز خون مجاهد راه خدا دانسته است. کوتاهی ما در این میانه، نابخشودنی
 است. باید کارهایی کرد، کارهایی که باید به گسترش دانش برحق و میدان‌گشایی
 برای نقد و نظر علمی ناب یاری رساند.
 هنگامی که جهان‌خواران و مشاطه‌های دست به هیئت استعمار کهنه و نو،
 تاریخ ما را جعل می‌کنند و گزارش این تاریخ را به شیوه‌هایی فریبنده و
 گمراه‌کننده می‌نویسند، باید ما به خود آییم و تبیین بهنگام و همه‌سویه این
 فریب و کژروی را، سرلوحه‌ی کار - عبادت - خود قرار دهیم و همچون
 مجاهدی که خون خود را در راه پیروزی حقیقت می‌افشاند، هرکدام از ما که
 برای پژوهش و نوشتن تاریخمان توانی داریم، جهاد خود را - که همانا
 جستجوی علمی و تبیین صادقانه حقایق و نوشتن نانوشته‌هاست - با تکیه بر
 علم و توان نویسندگی خود، پی بگیریم و راه‌های بسته و گره‌های دشوار را
 بگشاییم. از دست دادن یک لحظه و به هدر دادن یک نفس هم در پیشگاه

خداوند، توجیه پذیر نخواهد بود. اگر ما در برابر این همه کار نابخردانه و ناعادلانه‌ای که در دنیای غرب و در میان غرب زده‌های ایرانی انجام می‌گیرد، نسبت به توان علمی و نقادی اهل قلم و اندیشمندان متعهد و حقیقت‌جو، بی تفاوت بمانیم و حتی به بهانه‌های گوناگون، راه حمایت - همان حمایتی را که رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی بر آن تأکید کرده‌اند - از اندیشمندان و نقادان توانمند عرصه علم و هنر و ادب و فرهنگ را در غبار فراموشی و تأخیر جا بگذاریم و کار امروز را - و بلکه کاری را که باید در دیروزهایمان انجام می‌دادیم - به فردا و پس فردا بیندازیم، دشمنان فرهنگ و تاریخ مسلمانان و ایران اسلامی، دمی را نیز از کف نمی‌دهند. آنها پژوهشگاه در پی پژوهشگاه، ناشر در پی ناشر، نویسنده در پی نویسنده و مترجم در پی مترجم ساخته و پرداخته‌اند، تا به ما چنان بنمایانند که ما همانیم که آنها نشان می‌دهند. در این میان، همه متعهدان به اسلام، انقلاب و ایران باید مسئولیت پذیر باشند. باید زحمت کشید؛ باید مطالعه مستمرد و دقیق آثار ادبی، هنری، فرهنگی و تاریخی نشر یافته در جامعه و جهان خود را در برنامه روزانه کار فکری و نقادی خود گنجانند و با نظمی پیامبرگونه، به انجام و ثمردهی این برنامه همه روزه اهمیت داد.

اگر در دوران قاجار و پهلوی، دست دلاوران دین و فرهنگ و اندیشه ما، در کنج زندان‌ها و تبعیدگاه‌ها بسته بود، در دوران ظفرمندی انقلاب اسلامی، توجیه پذیر نیست که خردمندان و اندیشمندان ما در پیچ و خم گرفتاری‌های بیهوده زندگی روزمره سرگردان باشند و به جای خلق آثار فرهنگی و فکری، خموده و پژمرده دلشوره‌های گوناگون شوند. تأکید و هشدار و بیدارباش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و رهنمودهای ایشان در راستای حمایت از نخبگان، نباید حتی برای دمی دچار سهل‌انگاری و کاهلی شود. هویت ما را جعل و انکار می‌کنند؛ ما را جهان سوم، جهان پیرامونی، جهان عقب افتاده و

جهان خرافی و خردگریز نشان داده‌اند؛ به خودمان و فرزندانمان نیز این را می‌نمایانند. تاریخ ما را واژگونه می‌سازند تا ما هنگام جستجوی ریشه‌هایمان، دچار سرسام شویم. این، هم تا کتیک غرب و غرب زده‌هاست و هم استراتژی آنها. به هر گوشه‌ای از سرزمین‌های کهن ما مسلمانان سرک می‌کشند، استاد و کتاب‌های کهن ما را همچون منابع مادی - نفت، گاز، مس، طلا، الماس، سنگ و چوب - به تاراج می‌برند و تعبیر و تفسیر واژگونه خودشان را از آن اسناد و کتب، به ما بازپس می‌دهند. در پس و پیش استعمارگران کهنه و نو، سپاهیان از شرق‌شناسان و تاریخ‌نویسان جاعل، راهی سرزمین‌های مسلمین شده‌اند تا ما را مجبور کنند، چنان گمان بریم که کاری از دست خودمان بر نمی‌آید؛ آنها بوده‌اند که کتیبه‌های باستانی ما را خوانده‌اند؛ آنها هستند که به ما می‌گویند دین از کجا آمده است و به کجا می‌رود؛ آنها‌یند که مدارس و مکتب‌خانه‌های سنتی ما را به تعطیلی کشانده‌اند و آموزشگاه‌های مدرن را در گوشه و کنار تاریخ ما ساخته‌اند. آنها هستند که آزادیخواهان ما را در تاریخ معاصرمان شناسایی و معرفی می‌کنند. ما ترجیح تاریخ ما را نیز به خودمان باز می‌شناسانند! به راستی، چه جای بهت و غفلت، در برابر این یورش عملی و فکری استعمارگران غربی و نوکران غرب زده‌هاست؟ باید برخاست و در راه به پای داشتن میدان‌های نقادی علمی، فکری، ادبی، فرهنگی و تاریخی گام برداریم. نهراسیم از این که در فرودست‌های راه، نکند که ره تاریک و لغزان باشد. راه که برویم، ترسمان می‌ریزد. از صبوری ایوب و دلاوری مولای عارفان و اندیشمندان امام علی علیه السلام بیاموزیم. شعارهای تاریخ مصرف‌دار خوب است، اما در برابر سیلاب تحمیق و باژگونه‌سازی‌های شبه علمی عالیم‌نماهای غربی و غرب زده، جای قلم و استدلال و کتاب را نمی‌گیرد. کتاب می‌ماند. کتاب مخاطبان ویژه دارد، اما همین مخاطبان ویژه هستند که می‌توانند فرداهای علوم و اندیشه یک قوم، یک سرزمین و حتی یک جهان را

رقم بزنند. همان گونه که امام علی علیه السلام فرموده‌اند و چه زیبا هم تصویر کرده‌اند: «فرصت‌ها همچون ابر از افق زندگی ما می‌گذرند...» و این ماییم که باید پیام مولا و سروران دانشمندان را دریابیم.

شایسته نیست در سرزمین‌هایی اسلامی، که روزگاری عظیم‌ترین دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های جهان را داشته‌اند، اما چشمان به دست سیاحان، شرق‌شناسان و تاریخ‌نویسان غربی و غرب‌زده باشد و از لاک خموشی خود برون نیاییم و نگوییم: ما نیز می‌خواهیم تاریخ خودمان را، دست کم تاریخ معاصر و نه چندان دور خودمان را از نو و با دیدگانی هوشیار و نکته‌سنج دریابیم و سدی در برابر سیلاب کتاب‌های عالم‌نماهای غربی و غرب‌زده بندیم، و آثار وارداتی را از دریچه‌های نقد و سنجش خردمندانه خود عبور دهیم و آن‌گاه حقایق را بپذیریم و دروغ‌ها را پس برانیم. در فصول بعد نیز در این باره‌ها بیشتر خواهیم نوشت. بازگویی دردها و آرمان‌ها، بار خستگی و شکستگی را فرومی‌اندازد و بی‌پیش رفتن را چالاک‌تر و مطمئن‌تر می‌کند. تکرار بهنگام و برانگیزنده این نکته‌ها در این پیشگفتار برشمردیم، هم یادآورنده و هم برانگیزنده ما در راه پی‌گیری این مشتاق‌تر موضوع این اثر خواهد بود.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت